

## تاریخ شفاهی ایثارگران گمنام

مریم توسلی کوپایی<sup>۱</sup>

### چکیده

هنگامی که از ایثار و شهادت سخن به میان می‌آید، رزمندگان و ایثارگران دوران دفاع مقدس از تمامی گروه‌ها، به‌ویژه جانبازان، شهدا و آزادگان مد نظر قرار می‌گیرند. در کنار این گروه، خیل عظیم مردم پشتیبان جبهه و جنگ نیز قرار دارند. پرسش اساسی این است که آیا ایثارگری محدود و منحصر به همان دوران است؟ آیا ایثارگران، گروه‌های شناخته‌شده‌ی فوق‌الذکر هستند؟ آیا تاریخ ایثار و فداکاری تنها منطبق بر هشت سال جنگ تحمیلی است؟ پاسخ به این پرسش‌ها، برخی واقعیت‌های نامحسوس دوران دفاع مقدس را معلوم می‌کند و دریچه‌ای نوین به روی محققان علوم انسانی می‌گشاید. در تحقیقات تاریخی مربوط به دفاع مقدس، به ایثار و فداکاری و جان‌فشانی خانواده‌ی جانبازان، اعم از پدر و مادر، همسر و فرزندان کمتر توجه شده است. این موضوع از آن‌رو اهمیت دارد که نباید تاریخ دفاع مقدس را به ایثارگران جانباز محدود و خلاصه کرد. آنچه پس از نائل شدن ایثارگر به درجه‌ی جانبازی، بر خانواده‌ی آنان در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گذشته، تاریخ و روایتی جداگانه و مفصل دارد و باید آن را متمم تاریخ ظاهری دفاع مقدس دانست.

نوشتار حاضر درصدد است تا با طرح موضوع فوق، از نگاه جانبازان و خانواده‌های آنان، جلوه‌های پنهان ایثار و فداکاری در تاریخ دفاع مقدس را به تصویر بکشد. تاریخ شفاهی بهترین روشی است که به وسیله‌ی آن می‌توان به این هدف دست یافت. موضوعات، منابع و مفاهیم این طرح در مقاله گنجانده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** دفاع مقدس، جانبازان، خانواده، نقش، ایثار و فداکاری، تاریخ شفاهی.

### مقدمه

بخشی از «طرح اسناد افتخار» به تاریخ شفاهی جانبازان دفاع مقدس اختصاص دارد. با وجود این، به نظر می‌رسد در کنار تاریخ حماسی و جانبازی ایثارگران باید به یاوران همیشه صدیق و یکرنگ آنان، یعنی خانواده نیز توجه کرد. در حالی که بسیاری از اسناد و مدارک جانبازان در بایگانی اداره‌های کل بنیاد شهید و امور ایثارگران سراسر کشور نگهداری می‌شود، جای این پرسش اساسی است که از دوران دفاع مقدس و زمان نائل شدن این عزیزان به درجه‌ی جانبازی، حامیان و پشتیبانان آنان چه کسانی بوده‌اند؟ چه مشکلات و مسائلی در مسیر زندگی خانواده‌ی جانبازان قرار دارد؟ چه اسناد و مدارکی از این همه ایثار و فداکاری، تدوین و تنظیم شده و موجود است؟ تجربه‌ی یک دهه مشاوره در قسمت شاهد پراکنده‌ی اداره‌های آموزش و پرورش استان اصفهان و دیدن جانبازان و خانواده‌ی آنان و تبادل اطلاعات و تجربیات با سایر همکاران و مهم‌تر از همه مصاحبه و گفت‌وگوی صمیمانه و دلسوزانه با جانبازان و اعضای خانواده‌ی ایشان،

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، مشاور طرح پراکنده شاهد اداره آموزش و پرورش ناحیه دو اصفهان

مجموعه‌ای ارزشمند از داده‌ها را فراهم آورده که در پرتو آن می‌توان برخی از اساسی‌ترین مسائل، چالش‌ها و مشکلات فراروی ایشان را به تصویر کشید. در صورت تحقق این امر و توجه ویژه، راهکارهای عملی ارائه می‌شود و کمکی هرچند محدود و ناچیز برای کاهش مشکلات این قشر از جامعه خواهد شد. مبنای اصلی داده‌های به دست آمده، روایات و مدارک شفاهی است که تواتر و فراوانی لازم را دارد و قابل استناد است. تجربیات مکتوب آقای علی انصاری و آقای محمدرضا فاتحی، مشاوران طرح پراکنده‌ی شاهد اداری آموزش و پرورش ناحیه‌ی دو اصفهان، مشاهدات شخصی آقای مسعود حمزه، جانباز 70 درصد دفاع مقدس، تجربیات آقای مهندس حسین اسلامیان، پاسدار بازنشسته و تجربیات شخصی نگارنده همراه با داده‌های مصاحبه با جانبازان دفاع مقدس و همسران آنان و آقای احمدرضا قنبری، مشاور، روان‌درمان و مسئول کلینیک سالم‌پژوه مهر، مجموعه منابع و داده‌های تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند.

از سوی دیگر، مصاحبه‌های انجام‌شده با خانواده‌های جانبازان دفاع مقدس و گفت‌وگو با فرزندان ایشان، علاوه بر روایت و سخنان شفاهی و تجارب شخصی خانواده‌ها، اسناد و مدارک پزشکی، اعم از نسخ پزشکان، آزمایش‌ها و معاینه‌های گوناگون مربوط به جانباز، وسعت مشکلات جانبازان را نشان می‌دهد و مهر تأییدی است بر همراهی و هم‌گامی خانواده، اعم از پدر، مادر، همسر و فرزندان جانبازان.

از سوی دیگر، در پرتو مشکلات جسمی و روحی و روانی جانبازان، مسائل و مشکلات رفتاری بسیاری برای فرزندان آنان نیز به وجود آمده که پرونده‌های مشاوره‌ای ایشان در مراکز، مانند هسته‌ی مشاوره‌ی اداره‌های آموزش و پرورش سراسر کشور، گواهی محکم بر این ادعاست. بدین ترتیب، روایت شفاهی خانواده‌ها در قالب مصاحبه‌ی تاریخ شفاهی، گفت‌وگوی صمیمانه و درد دل‌های فرزندان جانبازان به وسیله‌ی اسناد مکتوب موجود تأیید می‌شود. توضیح این نکته ضرورت دارد که مصادیق و نمونه‌های بررسی‌شده در این تحقیق، جانبازان با درصد بالا و در گونه‌های مختلف جانبازی و معلولیت هستند.

## زندگی با جانبازان

از یک منظر، رزمندگان دفاع مقدس در دو گروه متأهل و مجرد هستند. با شروع زندگی جانبازی، خانواده‌ی جانباز، شامل پدر و مادر جانبازان مجرد و پدر و مادر و زن و فرزندان جانبازان متأهل درگیر وضعیت ناخواسته‌ای می‌شوند که شاید فقط با قرار گرفتن در آن موقعیت بتوان آن را درک کرد. مسلم است که وضعیت زندگی هرکدام از این دو گروه، حتی با وجود نوع جانبازی مشترک، متفاوت است. از این‌رو، در تحلیل و بررسی این مشکلات و نوع ایثار و فداکاری، دارای نقاط اشتراک و افتراق خواهند بود. ایثار و فداکاری خانواده‌ی جانبازان در قالب نقش، در زندگی با فرد جانباز از ابعاد گوناگون بررسی می‌شود:

- نقش روحی عاطفی خانواده در زندگی با جانباز
- نقش اجتماعی خانواده‌ی جانباز
- نقش مالی و اقتصادی خانواده‌ی جانباز

• نقش فرهنگی - تربیتی خانواده در زندگی با جانباز و فرزندان او (مصاحبه با احمدرضا قنبری)

### نقش روحی عاطفی خانواده در زندگی با جانباز

زن و مرد در نقش همسر، تأثیر فوق العاده و غیرقابل انکاری در زندگی دارند. آن گاه که نقش همسری به نقش پدری و مادری تبدیل می‌شود، وظایف و تکالیف سنگین‌تری را متقبل و متعهد می‌شوند. مادرانی که با ذوق و شوق ایمانی فرزندان خود را هنگام عزیمت به جبهه‌ها بدرقه کردند، با مجروحیت فرزند دل‌بندشان، دوران ایثار و فداکاری توأم با رنج و سختی را آغاز کردند. در صورت نبود پدر یا مادر، تمامی بار این سختی و مشکلات بر دوش یک نفر و در بیشتر مواقع بر دوش مادر، سنگینی می‌کند. مهر و محبت والدین هیچ‌گاه کم نمی‌شود و همواره عامل تقویت روحی و عاطفی فرزند جانباز خود هستند. هم‌دردی و هم‌نشینی دائم با فرزند در تمامی صحنه‌های اجتماعی از مصادیق بارز آن است. (مصاحبه با جانباز مسعود حمزه) جانباز محمدتقی طاهرزاده بیش از هجده سال در بستر جانبازی خوابید و سرانجام به فیض عظیم شهادت نائل شد. پدر بزرگوار وی رنج و سختی‌هایی بیشتر از فرزندش تحمل کرد، زیرا از یک‌سو، هر لحظه شاهد پری شدن و خاموشی فرزندش بود و از سوی دیگر، تمام وقت و زندگی خود را صرف نگهداری از او کرده بود. ایثار و فداکاری این جانباز شهید و فراتر از آن پدر و مادرش مورد ستایش جامعه و رهبر انقلاب نیز قرار گرفت. بی‌شک، صحت و سلامت خانواده نیز تحت تأثیر مشکلات فرزند، تحلیل می‌رود.

زندگی مشترک موجب می‌شود تمامی زحمات و مشکلات جانباز بر دوش همسر و فرزند یا فرزندان قرار گیرد. زن عامل انتقال احساسات و عواطف خانواده و اجتماع است. بدیهی است زنان سالم، قوی و مدبر می‌توانند همسر و خانواده‌ی موفق و سالم‌تری داشته باشند. جانبازان بخشی از جامعه‌ی معلولان و معلولیت آنان نه ارثی و اکتسابی، که عارضی، ثانوی و دارای نظام ارزشی خاص است. بنابراین، خانواده‌ی جانبازان نیز این تفاوت ماهیتی را با دیگر خانواده‌های معلولان جامعه دارند. نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که همسران جانباز ممکن است قبل یا بعد از جانبازی شوهرشان با وی ازدواج کرده باشند، این امر تفاوت‌هایی در پی دارد. وضعیت روحی - عاطفی زنانی که قبل از جانبازی همسرشان با وی ازدواج کرده‌اند نیز متفاوت است. اگر زن با همسرش دارای وجوه مشترک فکری، اعتقادی، مذهبی و اجتماعی باشد، نه تنها پذیرش جانبازی همسرش بعد از ازدواج، سهل و آسان است، نوعی ارزش و افتخار نیز محسوب می‌شود. در آن صورت، وضعیت و فضای روحی و عاطفی خانواده بهتر و منطقی‌تر خواهد بود، اما اگر دیدگاه و نگرش زن نسبت به جانبازی و معلولیت همسرش ناخوشایند و منفی باشد، جانبازی همسر عوارض و اثرات سویی بر زندگی دارد. نمونه‌هایی هرچند معدود، از جدایی همسران جانباز، به‌ویژه جانبازان قطع عضو، وجود دارد. حتی گاه وجود فرزند نیز مانع از این جدایی نشده است. (مصاحبه با جانباز مهدی نریمانی) در یک نمونه، همسر جانباز بیان می‌کرد: «با همسرم قبل از اعزام به جبهه اتمام حجت کردم و مخالفت خود را با رفتن ایشان اعلام کردم که در صورت مجروح شدن، تعهدی به ادامه‌ی زندگی ندارم.» (تجربیات مکتوب علی انصاری)

البته این سبک زندگی نادر است و در صورت وقوع، ضربه‌ای روحی به شخص جانباز وارد می‌شود و بر مشکلات او می‌افزاید. عموماً زنانی که همسرشان بعد از ازدواج جانباز شده‌اند، به ادامه‌ی زندگی و ایفای نقش روحی و عاطفی خود

در خانواده متعهد بوده‌اند. زنانی که با فرد جانباز ازدواج کردند و دارای فرزند هستند، وضعیت عاطفی و روحی باثبات‌تری دارند. این امر در تقویت روحیه‌ی جانباز و تحمل سختی‌ها و مشکلات و رنج‌ها بسیار مؤثر است. این گروه عظیم از همسران جانباز، با توجه به آگاهی از وضعیت و نوع جانبازی همسرشان و با انتخاب این نوع زندگی، توانسته‌اند به جای حالت منفعلانه، با فعالیت و مشارکت آگاهانه در زندگی، در ارتقای سطح روحی و عاطفی خانواده تلاش کنند. تمرین و ممارست و تزکیه‌ی نفس و شرکت در کلاس‌های ارتقای فکری و اخلاقی، راهکاری مناسب برای تقویت این روحیه است. «زندگی با جانباز کسی را می‌خواهد که مقاوم باشد و او را درک کند. خیلی‌ها دوام نیاوردند، خیلی‌ها هم دریادل بودند و خیلی زیبا توانستند زندگی کنند.» (مصاحبه با خانم‌ها زهرا بابخانی و منیژه عنایتی)

البته مواردی نیز مشاهده شده که در ادامه‌ی زندگی، نگرش و وضعیت نسبت به آغاز آن، دچار تغییر و تحول شده است. پیامدهای این تغییر، گاه در بروز پیشیمانی از ادامه‌ی زندگی و حتی تصمیم به جدایی، خود را نشان داده است. از سوی دیگر، با توجه به نوع و میزان جانبازی، ممکن است همسر ناخواسته دچار فرسودگی و استهلاک روحی و عاطفی شود و این وضعیت آنان را به گرفتن برخی تصمیمات اساسی (جدایی) رهنمون سازد. زنان مردان جانباز به عنوان همسر و مادر مهم‌ترین نقش را در ایجاد نگرش مثبت و روحیه‌ی خوش‌بینی، اعتماد به نفس، عزت نفس، مهرورزی، رضایت و خشنودی از زندگی در خانواده دارند. در مواردی که زن از نظر شخصیتی ضعیف و فاقد ثبات لازم عاطفی و شخصیتی، انرژی و مهارت و توان برای برطرف کردن چالش‌های زندگی باشد، ممکن است سلامت جسمی و عاطفی او دستخوش تغییر شده، علائمی، از قبیل پرخاش‌گری و افسردگی بروز دهد و رفتارهایی، از قبیل بی‌تفاوتی یا ترک زندگی را در پیش گیرد (تجربیات مکتوب علی انصاری).

بنابراین، حفظ روحیه و تقویت مستمر آن به وسیله‌ی همسر جانباز، در ایجاد فضای روحی و عاطفی مناسب در خانواده و حفظ تعادل روحی و عاطفی همسر و فرزندان مؤثر است. بدین ترتیب، همسران نوع سوم با گذشت و فداکاری فراوان، وضعیت موجود را تحمل و در بهبود آن وضعیت تلاش می‌کنند. این مادران، نقش عاطفی پدر را نیز بر عهده دارند و تکلیفی مضاعف را متقبل می‌شوند (مصاحبه با خانم‌ها زهرا بابخانی و منیژه عنایتی). در اکثر خانواده‌های جانبازان، زنان با توجه به صلابت و استواری عاطفی و شخصیتی می‌توانند نه تنها خود را با وضعیت جانبازی همسر تطبیق دهند، شرایط رشد و ارتقای خانواده را نیز فراهم می‌سازند.

### نقش اجتماعی خانواده‌ی جانباز

خانواده‌ی جانباز نسبت به خانواده‌های عادی جامعه، نقش اجتماعی بیشتر و سنگین‌تری دارند. این نقش و بار اجتماعی مضاعف ممکن است اثرات متفاوتی در پی داشته باشد. از یک‌سو، به لحاظ نظام ارزشی اجتماع مبنی بر احترام و تکریم جانبازی و جانبازان، دارای شوق و انگیزه‌ی فراوان هستند و خدمت به همسر جانباز خود را ارزش‌مند و امری بسیار مهم تلقی می‌کنند، زیرا به قصد کسب فیض و ثواب و از روی ترحم با این فرد ازدواج نکرده‌اند، بلکه با گذشت سال‌ها بر سر پیمان و نیت خیر خود باقی مانده‌اند. بدین ترتیب، نظام ارزشی اجتماع به نظام ارزشی فردی تبدیل و درونی می‌شود. مشوق‌های بیرونی و قوانین تشویقی در ارائه‌ی پاداش و تسهیلات به همسران جانباز ممکن است در افزایش انگیزه‌ها مؤثر

باشد، اما دوام و بقای نظام ارزشی فوق در ماندگاری و جاودانگی این خصوصیات اخلاقی و نقش اجتماعی مؤثرترند. تداوم ارزش‌های اجتماعی و دینی و حفظ شأن و منزلت والای جانبازان و ایثارگران، تکریم و احترام این قشر را در پی خواهد داشت. مسلم است که همسران جانباز نیز خدمت به همسر جانباز خود را نوعی افتخار و نه سرشکستگی و محدودیت و رنج و تعب می‌دانند و در ایفای نقش اجتماعی خود موفق‌تر خواهند بود.

نقش‌های زنان جانبازان با توجه به نوع، درصد و کیفیت جانبازی همسر و سبک زندگی فراگیرتر است. بسیاری از وظایف و امور اجتماعی که در حالت عادی وظیفه و تکالیف مردان است، بر عهده‌ی آنان است. اداره‌ی امور معیشتی خانواده، رسیدگی به وضعیت تحصیلی فرزندان، آموزش فرزندان و رسیدگی به وضعیت جسمانی و درمان همسر و امور درمانی فرزندان از این نمونه‌اند (مصاحبه با منیژه عنایتی). در صورت شاغل بودن، زن سنگینی نقش اجتماعی را بیشتر احساس می‌کند و در بلندمدت با توجه به وظایف مذکور و نوع شخصیت و میزان تحمل، مهارت‌های زندگی را فرا می‌گیرد و توانایی فردی، آثار خستگی و فرسودگی در آنان ایجاد می‌شود.

### نقش مالی و اقتصادی خانواده‌ی جانباز

پدر و مادر جانبازان وظیفه‌ی خود می‌دانند که فرزند خود را با تمامی مشکلات جسمی و روحی و حرکتی، پذیرا باشند و از عهده‌ی مخارج هرچند سنگین آن نیز به هر شکلی برآیند. با وجود این، هزینه‌های سنگین درمان به‌رغم تعهدات بنیاد شهید و امور ایثارگران، گاه کمرشکن و از توان خانواده خارج است. درباره‌ی جانبازان متأهل، با توجه به تعهد مرد برای تأمین معیشت خانواده، وضعیت به گونه‌ای دیگر است. زنان در این خانواده‌ها در امور مالی و اقتصادی نقش بیشتری دارند. آنهایی که خانه دارند به تدبیر امور منزل می‌پردازند و در متعادل ساختن درآمد و هزینه‌ها و مدیریت مالی خانواده تأثیر دارند. خرید منزل، مدیریت پرداخت هزینه‌های مختلف آموزشی، رفاهی و درمانی به عهده‌ی آنان بوده و به اصطلاح حساب دخل و خرج را دارند و از آنجایی که درآمد همسر آنان حقوق شغلی یا بازنشستگی بوده و محدود است، با توجه به افزایش هزینه‌ها و تورم، وضعیت زندگی روز به روز سخت‌تر شده و ممکن است افزون بر مشکلات عادی، مسائلی جدید را ایجاد کند. البته وضعیت زنان شاغل تا حدودی بهتر است و جانبازان نیز که به امور شخصی و اقتصادی دیگری اشتغال دارند، این تعادل را بیشتر حفظ می‌کنند. حمایت‌های مالی و اقتصادی دولت و اعطای تسهیلات بیشتر در کاهش مشکلات مالی و اقتصادی آنان مؤثر است.

خانواده‌ی جانبازان (پدر، مادر، همسر و فرزندان) ممکن است هم‌زمان در معرض دو جریان متفاوت و متضاد قرار گیرند؛ گاه به دلیل برخی نگاه‌های کلیشه‌ای و اشتباه بعضی از افراد جامعه، در مظان انواع اتهامات، مانند اختصاص یافتن امتیازات فراوان مادی و اقتصادی به جانبازان و خانواده‌ی ایشان هستند. از سوی دیگر و شاید به موازات آن، مورد تحقیر و استهزاء (این مسئله درباره‌ی جانبازان اعصاب و روان صادق است)، (مصاحبه با خانم زهرا بابخانی)، ترحم و دلسوزی بخش دیگری از جامعه و شاید همان گروه اول نیز قرار می‌گیرند. قرار گرفتن در این وضعیت برای خانواده‌ی جانبازان، به‌ویژه همسر و فرزندان و تحمل سختی‌های ناشی از آن بسیار ناگوار و کشنده خواهد بود (مصاحبه با جانباز مسعود حمزه).

بر خلاف تصور عمومی جامعه، نهادهای مسئول به دلایل گوناگون قادر به تأمین کامل هزینه‌های مربوط به درمان و تدوام درمان جانبازان، به‌ویژه جانبازان قطع نخاعی، اعصاب و روان و شیمیایی نیستند. در این وضعیت، خانواده در بهترین شرایط اقتصادی به تنهایی توان تأمین این هزینه‌ها را نخواهد داشت. همکاری بانوی خانه در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده، صرفه‌جویی و گاه متوسل شدن به مؤسسات خیریه راهگشای خانواده‌هاست.

### نقش فرهنگی و معنوی خانواده‌ی جانباز

زنان به عنوان همسر جانبازان در ایفای نقش فرهنگی و معنوی مؤثرند. آنها می‌توانند در ایجاد تعادل و بهداشت روانی همسر و فرزندان، انتقال ارزش‌ها و مفاهیم خانوادگی و تربیتی مؤثر باشند. از آنجایی که جانبازی و معلولیت پدر خانواده به عنوان عامل نامطلوب در خانواده و میان فرزندان جلوه می‌کند، نقش مادر در تربیت فرزند و ایجاد نگرش و نگاه مثبت به وضعیت پدر و ایجاد نظام ارزشی همراه با احترام و پذیرش بی‌قید و شرط پدر و شرایط آن، بسیار مهم است. اگر زن به عنوان همسر و مادر خانواده، دارای باورهای عینی و ملموس باشد و نظام ارزشی کاربردی در زندگی داشته باشد، می‌تواند امیدوار باشد که فرزندان نیز با وجود تمام مشکلات موجود و احتمالی، با فرهنگ، با شخصیت و سازنده تربیت می‌شوند. در غیر این صورت، فرزندان ممکن است دچار آسیب‌های روانی و اجتماعی شوند. به همین دلیل، این فرزندان با فرزندان خانواده‌های آشفته و متشتت شباهت دارند.

نوع و میزان جانبازی در زندگی مشترک زنانی که همسر جانباز دارند، متفاوت و تأثیرگذار است. انواع متفاوت جانبازی عبارت است از: اعصاب و روان، شیمیایی، قطع عضو، قطع نخاع، اختلالات جسمی و حرکتی. میزان جانبازی برحسب درصد جانبازی است که به وسیله‌ی کمیسیون‌های پزشکی از ده تا هفتاد درصد تعیین می‌شود. مصاحبه و گفت‌وگو با زنان جانبازان با نوع جانبازی متفاوت، چالش‌ها و مشکلات زندگی آنان را نمایان می‌سازد. زنانی که همسرشان دچار قطع عضو و نقص عضو هستند از مسائل و مشکلاتی، نظیر: جابه‌جایی همسر (حمل با ویلچر و تردد در معابر)، ناتوانی کامل در انجام فعالیت‌های روزمره و کارهای شخصی (نظافت و بهداشت فردی و حتی استراحت) سخن می‌گویند. مساعدت همسر، با توجه به توانایی‌های جسمی و ویژگی‌های فیزیولوژیکی زنان، ممکن است از لحاظ سلامت جسمانی به آنها آسیب وارد کند و انواع دیسک و دردهای مفصلی، دست، پا و کمر را در پی داشته باشد. تحلیل و استهلاک جسمی و حرکتی و پیری زودرس نیز از دیگر پیامدهای آن است. اگر به تکرار نوبت درمان و مراجعه‌ی جانبازان به پزشک و بیمارستان توجه شود، عمق این تکالیف و ایثار و فداکاری خانواده بیشتر مشخص می‌شود.

درباره‌ی جانبازان شیمیایی که دستگاه تنفسی آنها، شامل ریه، گوش و حلق و بینی و سیستم قلبی - عروقی دچار مشکلاتی شده و برحسب درجه‌ی ضایعه‌ی تنفسی و قلبی - عروقی، زندگی سختی را می‌گذرانند، سرفه‌های متوالی و مکرر، حملات تنفسی و آسمی و مشکلات و عفونت‌های ریوی، از جمله مشکلاتی است که در خانواده مشاهده می‌شود و تأثیرات ناخوشایندی در روحیه‌ی فرزندان دارد. درجه و درصد این نوع اختلالات، متفاوت و در کیفیت زندگی، طول عمر و روحیات جانباز و خانواده مؤثر است (تجربیات مکتوب علی انصاری و محمدرضا فاتحی).

زندگی زنان همسران جانباز که مشکل اعصاب و روان با درصد بالا دارند، سخت‌تر از دیگران است. اگر معلولیت و

جانبازی جسمی از انواع فوق را نیز داشته باشند، این مشکلات تشدید می‌شود. با گذشت زمان و زندگی در کنار این گروه از جانبازان، نزدیک‌ترین افراد خانواده به شخص جانباز تحت تأثیر زندگی با وی قرار می‌گیرند. از بین رفتن محیط آرام خانوادگی، عصبانیت‌های مداوم پدر خانواده به دلیل مشکلات جانبازی و مصرف سال‌ها داروهای شیمیایی اعصاب و روان، تأثیرات ژنتیکی منتقل‌شده از پدر به فرزندان و بروز مشکلاتی، مانند بیش‌فعالی و نتایج و آثار فراوان آن، از جمله مشکلات رفتاری خانواده‌های جانبازان است که به سبب جانبازی پدر خانواده ایجاد می‌شود (مصاحبه با جانباز مهدی نریمانی و رجوع به ثبت فعالیت‌های طرح پراکنده‌ی شاهد).

مصاحبه و گفت‌وگو با زنانی که همسر آنان جانباز اعصاب و روان است، بیانگر وجود مشکلات زیادی در این زمینه است. دانش‌آموزی، پدرش جانباز اعصاب و روان با درصد بالا بود. شاید کمتر هفته‌ای بود که این پسر دبیرستانی در خانه درگیری فیزیکی نداشت و سر و صورتش زخمی نبود. گاهی اوقات زیر چشمش کیود بود. منزلشان در یکی از روستاهای اطراف اصفهان بود و می‌گفت: «زمانی که پدرم دچار حمله‌های عصبی یا به اصطلاح موجی می‌شود، با مادرم درگیر می‌شود و من برای میانجی‌گری و وساطت می‌روم تا جلوی پدرم را بگیرم و مانع از کتک خوردن مادرم بشوم که در میان این درگیری من هم بی‌نصیب نمی‌مانم و کتک می‌خورم. مادرم خودش را سپر من قرار می‌دهد تا من زخمی نشوم، اما خودش مورد ضرب و شتم بیشتری قرار می‌گیرد. زمانی که پدرم کمی آرام‌تر می‌شود با تشخیص پزشک، وسیله‌ای تهیه می‌کنیم و پدر را به بیمارستان امیرالمؤمنین (ع) می‌آوریم و گاهی که اوضاع او وخیم‌تر می‌شود، پزشک شوک‌درمانی را توصیه می‌کند و پدرم را شوک می‌دهند و چون این روش درمانی دردناک است، بعد از هر شوک، زمانی که پدرم را به منزل می‌آوریم، تا چند روز بی‌حال در رختخواب می‌خوابد، اما اثر این درمان نیز موقتی است و بعد از مدتی دو مرتبه شروع می‌شود.» (تجربیات مکتوب علی انصاری و مصاحبه با خانم زهرا بابخانی)

مادر دانش‌آموز که زنی آرام، اما مضطرب و زجرکشیده بود و بسیار خوب حرف می‌زد، ضمن تأیید سخنان پسرش، می‌گفت: «من بسیار نگران وضعیت همسرم هستم. او روزانه شانزده قرص می‌خورد و بیشتر اوقات آرام است، اما زمانی که قرص‌ها بی‌اثر می‌شوند، رفتار وی تغییر می‌کند و پرخاش‌گر و ایرادگیر می‌شود و گاهی با من و بچه‌ها درگیر می‌شود و من برای اینکه از بچه‌ها حفاظت کنم، خودم را در معرض کتک او قرار می‌دهم. همسرم را دوست دارم، وقتی که آرام است بهشت من است و زمانی که به هم می‌ریزد، جهنم شروع می‌شود.» این زن، ماهی دو بار به دبیرستان می‌آمد و ضمن پی‌گیری وضعیت تحصیلی پسرش، از او می‌خواست که حواسش به درسش باشد و به درگیری‌های خانه کاری نداشته باشد، حتی اگر پدرش او را کتک بزند، اعتنایی نکند چون او نیز زخمی می‌شود، زیرا «پدرش بعد از مدتی آرام می‌شود و من می‌خواهم که فرزندانم آسیب نبینند.» (تجربیات مکتوب علی انصاری)

در نمونه‌های دیگر در مدارس راهنمایی شاهد، خانواده‌های مختلف حضور داشتند که هرکدام در کنار جانبازی با درصد زندگی می‌کردند. به گفته‌ی یکی از مادران: «زمانی که همسرم دچار حمله‌های عصبی می‌شود کسی جلودارش نیست و به شکستن وسایل می‌پردازد و بعد از مدتی آرام می‌شود. او نیز روزانه قرص و داروهای زیادی مصرف می‌کند.» وی در پاسخ به این پرسش که: چرا به این زندگی بحرانی و پُراسترس ادامه می‌دهی و چه عامل و انگیزه‌ای باعث می‌شود

تا بتوانی این حملات عصبی و درگیری‌ها را تحمل کنی؟، می‌گوید: «خوبی و تحمل بسیار زیاد این مرد باعث شده تا من بتوانم این ناملایمات را تحمل کنم. این مرد به قدری خوب است که در زمستان و هوای سرد چندین درجه زیر صفر، در اتاق سیگار نمی‌کشد و به حیاط می‌رود و می‌گوید بچه‌ها گناهی نکرده‌اند که دود سیگار در فضای خانه باشد. نکات مثبت و خوبی‌های همسر باعث می‌شود بتوانم مشکلات و ضعف‌ها را تحمل کنم.» (تجربیات مکتوب علی انصاری)

این فقط بخش کوچکی از مشکلات خانواده‌های جانبازان اعصاب و روان است. اگر درصد و میزان ضایعات اعصاب و روان بالا همراه با مشکلات و رنج‌های دوران اسارت نیز افزوده شود، وضعیت سخت‌تر می‌شود. البته عواملی، مانند نوع شخصیت جانباز قبل و بعد از جانبازی، میزان تحصیلات، حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، نوع درمان و دارو، وضعیت مالی و روابط اجتماعی و ... نیز در چگونگی زندگی این قبیل خانواده‌ها مؤثر است.

### عوامل مؤثر در تسهیل وضعیت زندگی کردن با جانباز

مهم‌ترین عامل پذیرش وضعیت سخت و ناگوار حاصل از جانبازی، مجروحیت یا معلولیت دائمی و مستمر یک نفر جانباز دفاع مقدس، نظام ارزشی حاکم بر خانواده‌ی جانباز است. پای‌بندی اخلاقی و مذهبی بودن نظام ارزشی پایه‌ای، از عوامل مهم و مؤثر در زندگی خانواده‌هایی است که فرد جانباز دارند. پدر و مادری که برحسب ایمان و اعتقادات قوی فرزند خود را روانه‌ی جبهه کرده‌اند، پس از مجروحیت و جانبازی او با توکل بر خداوند و صبر و شکیبایی، سال‌های متمادی، رنج‌ها و سختی‌های ناشی از این وضعیت را به جان می‌خرند، حتی شکرگزار خداوند نیز هستند. ایشان راضی به رضای خداوند و خشنود از سرنوشتی هستند که خدای متعال برای آنان رقم زده و آن را از الطاف خداوند و حکمت الهی می‌دانند (حضور رهبر انقلاب در منزل جانباز شهید محمدتقی طاهرزاده). بسیاری از زنانی که بعد از جانبازی همسرشان، با وی ازدواج کرده‌اند، با وجودی که فرصت‌های ازدواج دیگری نیز داشتند و می‌توانستند با افراد متمول و متشخص اجتماعی ازدواج کنند، تصمیم گرفتند ضمن ازدواج با یک فرد جانباز و قبول آسیب‌های احتمالی ناشی از این مسئله، به ایشان خدمت کنند، تا علاوه بر پاداش و اجر معنوی، بخشی از وظایف اجتماعی خود را در قبال این افراد انجام دهند، زیرا بسیاری از افراد اجتماع خود را مدیون و وامدار ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی جانبازان می‌دانند. تعهدات مذهبی و اخلاقی این‌گونه زنان موجب می‌شود تا بتوانند سختی‌ها، ناملایمات، بیماری، درد و رنج ناشی از جانبازی همسر را بهتر و راحت‌تر تحمل کنند. رفتار ایشان الگویی پسندیده برای سایرین و فرزندان نیز خواهد بود و با این رفتار، فرزندان و اطرافیان خود را هرچه بیشتر به پایبندی مذهبی و اخلاقی در خانواده و جامعه تشویق می‌کنند. به گفته‌ی خانم بابخانی: «در آن زمان خواستگارهای زیادی داشتم، اما عشق و علاقه‌ای که در وجودم هنگام تولد با انقلاب حاصل شده بود، در دوران جنگ عمیق‌تر و پایدارتر گردید و مرا به ازدواج با همسری جانباز تشویق کرد. با گذشت 25 سال از ازدواج با او، با مشاهده‌ی یک نفر جانباز بر روی ویلچر، دوباره همان ذوق و شوق در وجودم زنده می‌شود. من در این زندگی زجر زیادی کشیدم و صدمه خوردم. خدا این را برای من مقدر کرده است.» (مصاحبه با خانم زهرا بابخانی)

از سوی دیگر، مشوق‌ها، انگیزه‌ها و محدودیت‌های درونی و بیرونی نیز حائز اهمیت هستند. عوامل و مشوق‌های



درونی، مانند نوع شخصیت، نگرش و نگاه زن در ازدواج و زندگی با همسر جانباز که تا حدودی متأثر از نظام ارزشی مذهبی و ارزش‌های حاکم بر خانواده و جامعه است. احساس رضایت، امید به کسب پاداش و اقتناع و ارضای روحی و شخصیتی حاصل از زندگی با جانباز همراه با حس قوی و نیرومند خدمت‌رسانی، نوع‌دوستی و تفاخر به زندگی با حماسه‌آفرین و قهرمانی واقعی به نام جانباز، به ازدواج و زندگی این‌گونه بانوان فداکار معنا و مفهوم می‌بخشد. قهرمان مورد ستایش ایشان، واقعی و ملموس در اجتماع است نه ذهنی و خیالی. از این‌رو، زندگی با او و خدمت به او را وظیفه‌ی دینی و ملی و میهنی تلقی می‌کنند. مزد و پاداش این خدمت، معنوی، آسمانی و الهی است و از نظر روانی و شخصیتی موجب آرامش و آسودگی درونی همسر جانباز نیز می‌شود.

ناگفته نماند که عوامل و مشوق‌های بیرونی، مانند حمایت‌های اقتصادی، مالی، اجتماعی و شخصیتی در نتیجه‌ی مصوبات دولت و مجلس نیز نقشی قابل توجه در ایجاد امید به دل‌های خسته و مجروح خانواده و شخص جانباز و حمایت و ترویج فرهنگ جانبازی و ایثار در جامعه دارد. این‌گونه حمایت‌ها در بازسازی، حفظ و ارتقای سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی جانباز و خانواده مؤثر است. حمایت‌های درمانی و دارویی، حمایت‌های فرهنگی و اجتماعی و امتیازات و حمایت‌های مالی و اقتصادی از عوامل مهمی است که زن و فرزندان جانباز را برای ادامه‌ی زندگی دلگرم و امیدوار می‌کند و زمینه را برای ادامه‌ی تحصیل، اشتغال و کسب پایگاه اجتماعی مناسب‌تر آنان فراهم می‌سازد. در این صورت، خانواده‌ی جانباز، به‌ویژه همسر، قادر خواهد بود بدون دغدغه و دل‌مشغولی، با توان، انگیزه و انرژی بیشتری به شوهر جانبازش خدمت کند و به تربیت فرزندان خود بپردازد. اما موارد بسیاری مشاهده شده که موقعیت اجتماعی جانبازان و خانواده ارتقا نیافته است و «فرزند جانباز به جای اینکه افتخار کند و بگوید پدرم جانباز است و اشتغال دارد، سر خود را پایین انداخته، می‌گوید: شغل پدرم آزاد است.» (مصاحبه با جانباز مهدی نریمانی)

## کلام آخر

تاریخ دفاع مقدس و ایثار و شهادت و فداکاری‌های آن کم و بیش نوشته و نقش‌های نظامی بیان خواهد شد. دفاع مقدس و جنگ تحمیلی به ظاهر پایان یافته، اما نتایج و پیامدهای آن تا چندین نسل باقی و پابرجاست. اگر آن روز در صحنه‌های نبرد، شهدا و جانبازان ایثار و فداکاری کردند، پس از دفاع مقدس شاهد از خودگذشتگی‌هایی به مراتب سخت‌تر و ماندگارتر بوده‌ایم. همان‌گونه که حفظ نام و یاد شهدا کمتر از خود شهادت نیست، ایثار و فداکاری خانواده‌ی جانبازان و دفاع از حریم و افتخارآفرینی آنان وظیفه‌ای بس دشوار و خطیر است. خانواده‌ی جانباز، به‌ویژه همسر، در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روحی و عاطفی به ایفای نقش (ایثار) می‌پردازد؛ نقش‌هایی فراتر از توان و وظیفه و تکلیف قانونی، شرعی و عرفی خود. بنابراین، در نگارش تاریخ دفاع مقدس باید به این بخش مغفول‌مانده و مظلوم تاریخ دفاع مقدس و تاریخ اجتماعی معاصر ایران توجه کرد. تاریخ شفاهی مناسب‌ترین روش برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها در این زمینه است که در کنار اسناد مکتوب خانواده و شخص جانباز (پزشکی، اداری و آموزشی) نقش خانواده‌ی جانبازان، اعم از والدین، همسر و فرزندان را در زندگی اجتماعی و تاریخ معاصر کشور به روشنی و خوبی بیان می‌کند. علاوه بر این، نهادهای مسئول را در طراحی، برنامه‌ریزی و مهندسی اجتماعی فرهنگی جامعه یاری می‌کند. مناعت طبع

و بزرگواری ایثارگران گمنام مانع از درد دل، بیان خاطرات و سوزهای درونی می‌شود. مصاحبه و تاریخ شفاهی همراه با همدلی و دلسوزی، نقاب از واقعیت‌های پیرامون جامعه برمی‌دارد.

## منابع

- تجربیات مکتوب علی انصاری، 1392/9/30.
- تجربیات مکتوب محمدرضا فاتحی، 1392/9/25.
- ثبت فعالیت‌های طرح پراکنده‌ی شاهد، سال تحصیلی 1392-1393، دانش‌آموزان: رسول مستخرجیان، فرزند آزاده‌ی جانباز محمدسعید مستخرجیان؛ امیرحسین صفیان، فرزند جانباز اعصاب و روان ذبیح‌الله صفیان؛ مهدی حسینیان، فرزند جانباز شیمیایی و اعصاب و روان حسین حسینیان.
- حضور رهبر انقلاب در منزل جانباز شهید محمدتقی طاهرزاده، آبان‌ماه 1380 در: 1392/10/20  
<http://farsi.khamenei.ir/video-content>.
- مصاحبه با احمدرضا قنبری، 1392/10/27.
- مصاحبه با جانباز مسعود حمزه، چهارشنبه 1392/10/25.
- مصاحبه با جانباز مهدی نریمانی، دوشنبه 1392/10/30.
- مصاحبه با خانم زهرا بابخانی، همسر جانباز حسن دهاقانی مبارکه، دوشنبه 1392/10/30.
- مصاحبه با خانم منیژه عنایتی، همسر جانباز عباس صدیقی، دوشنبه 1392/10/30.